

اندیشه



ویژه نامه روز قدس
پنجشنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۱

بین الملل نیز چنین معنایی را به همراه دارد که می توان از آن به عنوان مصداق همکاری در گناه و دشمنی یاد کرد. (کعبی و غرویان، ۱۳۸۱: ص ۸)

۴- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ» ای کسانی که ایمان آورده اید دشمن من و دشمن خودتان را به پیروی بر مگیرید ایه طوری که با آنها اظهار دوستی کنید. (سوره الممتحنه، ایه یک)

در این ایه شریفه خداوند مسلمانان را از پیروی از دشمن خدا و دشمن مؤمنان که منجر به دوستی با ایشان خواهد شد، منع کرده است، حتی اگر ایشان اظهار دوستی با مسلمانان کنند. در اینجا بحث دشمن شناسی و این سوال مطرح می شود که دشمن خداوند و مؤمنان که با هم برابر معرفی شده اند، چه کسانی هستند؟ با تاملی در آیات قرآن، می توان مصداق این دشمنان را شناخت. خداوند در برخی آیات می فرماید: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا» (سوره المائدہ، ایه ۸۲). یعنی، به طور مسلم یهودیان و مشرکان را دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت. همچنین «إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا» (سوره نساء، ایه ۱۰۱): کافران برای شما دشمن آشکاری هستند. (قرآنی، جلد نهم، ۱۳۹۱: صص ۵۷۲-۵۷۳) بر اساس این آیات که به روشنی انواعی از دشمنان را باز گو می کند، می توان مصداق آن را در رژیم صهیونیستی به وضوح مشاهده کرد. این رژیم با غضب سرزمین های اسلامی، آواره کردن ساکنان آن و تهدید جان و مال ایشان، هم دشمنی خود را ثابت کرده و هم از افرادی ترین فرقه قوم یهود به شمار می رود که این ایه به صراحت آنان را به عنوان دشمن ترین افراد نسبت به مسلمانان معرفی کرده است.

۵- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِلَهَانِهِ مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْتُونَكُمْ خَبْرًا وَلَا دَعْوًا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» (سوره آل عمران، ایه ۱۱۸): ای کسانی که ایمان آورده اید، از غیر خودتان آ دوست و همراهز مگیرید آنان را از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی ورزند. آرزو دارند که در رنج بیفتید. دشمنی از لحن و سخن شان آشکار است و آنچه در سینه های شان نهان می دارند بزرگ تر است. در حقیقت ما نشانه های دشمنی آنان را برای شما بیان کردیم اگر تعقل کنید.

خداوند بر اساس این ایه شریفه مسلمانان را از همراهی با دشمنان اسلام نهی می کند. در این ایه همچنین خداوند صفات این گونه دشمنان را بیان می کند، نخست اینکه از هیچ اقدام خصمانه ای علیه مسلمانان دریغ نمی کنند، دوم اینکه آرزو دارند مسلمانان به مشکلات بیفتند و در آخر، نقشه ها و اهداف شومی علیه مسلمین دارند و مترصد فرصت ضربه زدن هستند. این موارد را می توان در رفتار و اندیشه رژیم صهیونیستی به وضوح مشاهده کرد. نمونه هایی از غضب اموال و کشتار مسلمانان مورد اشاره قرار گرفت. ترور، شکنجه، زندانی کردن و تهدیدات گسترده نیز از دیگر اقدامات این رژیم است. فتنه انگیزی، تبلیغات ضد اسلامی و تفرقه اندازی ایشان در کشورهای اسلامی از دیگر مصداق ایه شریفه است. سوم، ایده نیل تا فرات، اسرائیل بزرگ و تخریب مسجدا لاقصی و دیگر راهبردهای خصمانه این رژیم علیه اسلام و مسلمین است.

۶- «لَا يَغْرَتُكُ الَّذِينَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ» (سوره آل عمران، ایه ۱۹۶): رفت و آمد (پیروزمندان) کافران در شهرها تو را نفریبند!

این سوره در مقطع زمانی مابین جنگ بدر و احد که یکی از سخت ترین شرایط مسلمان (مکارم شیرازی و همکاران، جلد دوم، ۱۳۸۶: ص ۴۰۸) بود، نازل شده است. در این دوره، توطئه های یهودیان مدینه علیه قریشیان مکه و جنگ های میان ایشان، شرایط سخت اقتصادی مسلمانان و قدرت اقتصادی یهودیان، شرایط دشواری را برای مؤمنان ایجاد کرده بود. اگر چه در این ایه، مخاطب پیامبر اسلام (ص) است ولی منظور آن عموم مسلمین است که دچار تردید نشده و مقهور قدرت و ثروت ایشان نشوند. (مکارم شیرازی و همکاران، جلد سوم، ۱۳۸۶: صص ۲۹۱-۲۹۲)

در زمان کنونی نیز توان اقتصادی و نظامی رژیم صهیونیستی، همپیمانی آن با آمریکا و غرب و شاید ترس از آن یا طمع منافع ناشی از تعامل با این رژیم، برخی سران و تصمیم گیران کشورهای اسلامی را مرعوب و منفعل کرده است و موجب برقراری روابط سیاسی، امنیتی - نظامی و بعضاً اقتصادی ایشان با آن شده است. بر اساس ایه مذکور، این شیوه مردود شمرده و در آیات بعدی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (سوره آل عمران، ایه ۲۰۰). مسلمانان به

که بایدها و نبایدهای دینی تا وقتی که بر اصول بنیادین و متقن استوار نباشد، الزام آور نبوده و ضمانت اجرایی ندارد. (ترابی، ۱۳۷۴: ص ۳)

قرآن کریم درباره حقوق بین الملل اسلامی نیز مواردی را بیان می کند که اغلب فلسفه روابط بین الملل را مورد نظر دارد. در اینجا بر آنیم تا حکم مذکور را از نگاه قرآن مورد بررسی قرار داده و به غور در آن بپردازیم.

۱- «إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تُولَّوهُمُ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَوَلَّيْكُمْ هُمُ الظَّالِمُونَ» (سوره ممتحنه، ایه ۹): فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می دارد که در [کار] دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه های تان بیرون رانند. در بیرون راندن تان با یکدیگر همکاری کرده اند و هر کس آنان را به دوستی گیرد، آنان همان ستمگرند.

خداوند در این ایه شریفه به صراحت نحوه تعامل با غاصبان دارالاسلام و سرزمین های مسلمانان را بیان می دارد. تفسیر نمونه این ایه را اینگونه تشریح می کند: «گروهی که در مقابل مسلمین ایستادند و شمشیر به روی آنها کشیدند و آنها را از خانه و کاشانه شان به اجبار بیرون کردند و خلاصه عداوت و دشمنی خود را با اسلام و مسلمین در گفتار و عمل آشکارا نشان دادند؛ تکلیف مسلمانان این است که هر گونه مراد به این گروه را قطع کنند و از هر گونه پیوند محبت و دوستی خودداری کنند. (مکارم شیرازی و همکاران، ج ۲۴، ۱۳۸۶: ص ۳۱)

خداوند در این ایه شریفه ۲ شرط را برای قطع تعامل با این گروه بیان کرده است: نخست اینکه بر سر دین با مسلمانان جنگ داشته باشند و دوم آنکه مسلمین را از خانه و دیارشان بیرون کرده باشند. می توان مصداق متعددی از این ۲ شرط را در رژیم صهیونیستی یافت. اول، این رژیم بعد از اشغال سرزمین فلسطین ساکنان مسلمان را از خانه و کاشانه خود آواره کرد ولی با یهودیان مقیم چنین برخوردی نکرده است. این خود نشان می دهد اقدامات رژیم صهیونیستی بر اساس دشمنی با مسلمانان بوده و ریشه در دشمنی با اسلام دارد. دوم، رژیم صهیونیستی بعد از اعلام استقلال خود موجبات آوارگی اجباری صدها هزار فلسطینی را از شهر و دیار خود فراهم و خانه ها و زمین های ایشان را تصرف کرد.

۲- «وَلَا تَزِرُ كَيْفًا إِلَى الدِّينِ ظُلْمًا أَفْتَسِكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ مِّنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» (سوره هود، ایه ۱۱۳): و به کسانی که ستم کرده اند متمایل مشوید که آتش آدوزخ به شما می رسد و در برابر خدا برای شما دوستانی نخواهد بود و سرانجام باری نخواهد شد.

این ایه شریفه مبنای قاعده نفی گرایش به ظالم است که در بین اندیشمندان حقوق اسلامی مشهور است. در این مورد باید گفت اساساً اسلام بی تفاوتی و رضایت در برابر ظلم و اعمال ظالمانه را نمی پذیرد؛ چه رسد به اعتماد و گرایش به ظالم. ظلم موجب از بین رفتن حق مظلوم و اعتماد و گرایش به ظالم موجب گسترش ظلم می شود (ضابطی پور، ۱۳۸۹: ص ۸۳) و این ۲ موضوع با یکدیگر ارتباط مستقیم دارد. یکی از انواع گرایش به ظلم، تعامل با ظالم است. ظلم بزرگ رژیم صهیونیستی به مردم فلسطین در بیش از نیم قرن برای هیچ مسلمانی حتی غیر مسلمین آزاده جهان جای تردید نگذاشته است که این رژیم نماد ظالم است و بر اساس قاعده نفی گرایش به ظالم، تعامل با آن نه تنها برای دارالاسلام مجاز نبوده، بلکه برای تک تک مسلمانان نیز امری نهی شده است.

۳- «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (سوره المائدہ، ایه ۲): در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و دشمنی دستیار هم نشوید و از خدا بترسید که خدا سخت کیفر است.

در این ایه شریفه خداوند ضمن توصیه به همکاری در امور نیک ما را از همکاری در گناه و تجاوز منع کرده است. با بسط این ایه در حقوق اسلامی، تکالیفی برای دارالاسلام و حکومت های اسلامی تعریف می شود که یکی از آنها عدم همکاری با دشمنان متجاوز است. همکاری در دشمنی و تجاوز، عقلاً و منطقاً محدود به نفس شرکت در آن نیست، بلکه تعامل با متجاوز که به نوعی به تجاوز وی مشروعیت می بخشد نیز نهی شده است.

یکی از مبانی منع تعامل دارالاسلام با رژیم متجاوز صهیونیستی این است که اگر با آنان هر گونه همکاری را جایز بدانیم یا آن را به رسمیت بشناسیم، از آن رضایت و پذیرش سیاست های تجاوز کارانه این رژیم استنباط می شود. لازمه تعامل با این رژیم، قبول بخشی از اندیشه های آن است، در واقع این امر در عرصه روابط

بَعْرِقَ لَحْمَهُ، وَيَهْتَمُّ عَظْمَهُ، وَيَغْرَى جِلْدَهُ، لَعَلَّيْمُ عَجْزَهُ» (نهج البلاغه: الخطبه ۳۴) یا «غزوهم من قبل أن يغزوكم، فوالذي نفسي بيده، ما غزى قوم قط فى عقر ديارهم إلا ذلوا» (معانی الأخبار: جلد اول، ص ۳۱۰).

فقه های مشهوری همچون ابوالصلاح حلبی (برجی، ۱۳۸۶: ص ۴۷) و صاحب جواهر (فیرحی، ۱۳۸۳: ص ۱۱۵) نیز در باب وجوب جهاد دفاعی بیان می دارند که اگر دارالاسلام مورد تهاجم کفار قرار گیرد و اساس اسلام تهدید شود یا کفار خواهان استیلا بر دارالاسلام باشند و این امر موجب اسارت، آوارگی، اخذ اموال مسلمانان شود؛ در چنین شرایطی، بر همه مسلمانان دارالاسلام، اعم از زن و مرد، سالم و بیمار، حتی کور و ناقص العضو واجب می شود به هر نحو ممکن و با هر شرایطی اقدام به جهاد کنند و نیازی به اذن امام معصوم (ع) ندارد. این دیدگاه را با اندکی تفاوت در تمام رسائل فقهی قدیم و جدید مراجع شیعی می توان یافت. کاشف الغطاء جهاد را به ۵ قسم تقسیم کرده که ۴ قسم آن درباره دفاع است. این ۴ نوع عبارتند از: جهاد برای حفظ دارالاسلام از تجاوز کفار، جهاد برای دفع متجاوزان از تسلط بر جان و ناموس مسلمانان، جهاد برای دفاع از مسلمانان ساکن در بخش های دیگر دارالاسلام که با کفار در حال جهادند و ترس تسلط کفار بر آنان است و جهاد برای اخراج متجاوزان از دارالاسلام پس از تسلط آنان و نوع پنجم که جهاد ابتدایی است و برای گسترش اسلام و دعوت کفار به اسلام است. (برجی، ۱۳۸۶: ص ۴۹)

در ماده ۵۱ منشور ملل متحد نیز بر این اصل اساسی تأکید شده است: «در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین المللی به عمل آورد، هیچ یک از مقررات منشور به حق طبیعی دفاع مشروع، خواه فردی یا دسته جمعی لطمه ای وارد نخواهد کرد. اعضا باید اقداماتی را که در اعمال این طرح به عمل می آورند، فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به هیچ وجه در اختیارات و مسؤولیتی که شورای امنیت طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین المللی در هر موقع که ضرورت تشخیص دهد اقدام لازم به عمل خواهد آورد، تأثیری نخواهد داشت.» (برجی، ۱۳۸۶: ص ۹۱)

لازم به ذکر است در رفتار دارالاسلام با دارالکفر، باید بر اساس دستورات صریح و محکم که در آیات قرآن و روایات آمده است برخورد کرد و مسلمانان باید ابتدا نظر اسلام را - هر چند برخلاف اصول حاکم بر دیپلماسی جهانی باشد که دیگران آن را پذیرفته اند - جویا شوند تا در تعاملات با کفار آن را به کار برند. باید این نکته را در نظر داشت که برخلاف برخی قواعد بین المللی که چگونگی رابطه با سایر کشورها را مشخص می کند و سرچشمه گرفته شده از ذات و اخلاق انسانی است، اصول و قواعدی نیز وجود دارد که نشأت گرفته از نظریات کفر آلود بوده و با حقوق اسلامی در تعارض است. (احمدی و صالحی، ۱۳۸۳: ص ۶۱-۶۲) خداوند در قرآن کریم می فرماید: «ذَلِكُمْ وَمَنْ يُعْلِمْ سَعَاتِلَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى الْقُلُوبِ» (سوره حج، ایه ۳۲)

با توجه به تقسیم بندی فوق از نظر حقوق اسلامی، هر کشوری که دشمن حربی مسلمانان باشد، جهاد با آن واجب است و اگر امکان جهاد به دلیل شرایط و مصلحت اسلامی مقدور نباشد، حداقل از تعامل با آن باید پرهیز کرد. دلیل این امر نیز قاعده میسور یا قدر مقدور است (ر.ک: بجنوردی، ۱۴۱۹ و خوانساری، ۱۴۱۸) بدین معنا که هرگاه جزئی از حکم شارع ممنوع عملی شود، قسمت های دیگر ممکن بر مکلف دایر است (سجادی، ۱۳۸۱: ص ۱۶۹)، البته بر اساس این قاعده، اگر بخشی از یک تکلیف از قدر مقدور خارج باشد، نمی توان بخش مقدور را ترک کرد.

■ تعامل با رژیم صهیونیستی از نظر قرآن کریم

یکی دیگر از مبادی اجتهاد در حقوق بین الملل اسلامی قرآن کریم است. قرآن کریم به عنوان اصلی ترین منبع حقوق اسلامی محسوب می شود که دستورات الهی برای مسلمانان در آن منعکس شده است. این کتاب علاوه بر رهنمودهای عبادی و اعتقادی، احکامی را برای سعادت بیشتر بشر بیان کرده است که تبعیت از آنها واجب است. در کلام فقهی، قرآن اصیل ترین و متقن ترین منبع شناخت معارف دینی، احکام فقهی و حقوق فردی و اجتماعی است. فقه و حقوق اسلامی، در برگیرنده احکام عبادی - سیاسی، مسائل اقتصادی، اجتماعی، حقوق مدنی و... است که قرآن کریم، بارزترین و تردیدناپذیرترین منبع آن است. حقوق اسلامی بدون قرآن، هویت و پشتوانه ندارد، چرا

درباره دارالحرب بودن رژیم صهیونیستی و حرمت تعامل با آن، اجماعی بین علما وجود دارد و اگر از برخی از ایشان در مواردی حکمی وجود ندارد بدان معنا نیست که ایشان با این نظر مخالفند، بلکه حاکی از آن است که از نظر ایشان موضوع به قدری روشن است که نیازی به حکم ندارد یا سکوت در برابر حکم دیگران را می توان تأییدی بر آن دانست

